



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۹/۱۲

نویسنده: ن. جلیل زاد

## دعوت به تفاهم میان تاریخ دانان و تاریخ خوانان افغان

منشور تفاهم تاریخی میان تاریخ دانان و تاریخ خوانان افغانستان تاریخ افغانستان همواره میدان پرجوش و خروش روایت‌ها، مناقشه‌ها و گاه نزاع‌های سخت فکری بوده است. کشوری که در قلب آسیا قرار گرفته و همواره چهارراه حوادث، مهاجرت‌ها، امپراتوری‌ها و بازی‌های بزرگ بوده، طبیعی است که تاریخ چندلایه، پیچیده و پر از تفسیرهای گوناگون باشد. اما این چندلایگی به جای آن‌که به غنای فکری و شناخت عمیق‌تر منجر گردد، در بسیاری موارد مایه تفرقه، دشمنی، تحریف و تاریخ سازی و جعل تاریخ شده است. به همین دلیل امروز بیش از هر زمان دیگر، نیاز است که میان تاریخ دانان و تاریخ خوانان افغانستان یک منشور تفاهم شکل گیرد، منشوری که هم حافظ حقیقت باشد، هم ضامن همبستگی ملی، و هم نافی انحصارطلبی در روایت تاریخ.

تاریخ میدان کشف حقیقت است، نه عرصه انحصار تاریخ یک دانش است، نه ملکیت خصوصی. هر روایت تاریخی تنها دریچه‌ای کوچک به سوی گذشته می‌گشاید، نه تصویر کامل آن را. اگر کسی خود را مالک مطلق حقیقت بداند، در حقیقت راه فهم گذشته را بر دیگران بسته است. افغانستان به مورخانی نیاز دارد که در جست و جوی کشف حقیقت باشند، نه در پی انحصار آن.

پذیرش نسبی بودن روایت‌ها. هیچ تاریخ نگاری کامل و بی‌نقص نیست. هر محقق با پیش فرض‌ها، منابع و چارچوب‌های فکری خویش به گذشته می‌نگرد. بنابراین هر روایت تنها بخشی از واقعیت را منعکس می‌کند.

اگر این نسبی بودن پذیرفته شود، اختلاف نظر به نزاع نمی‌انجامد بلکه به غنای دانش کمک می‌کند.

### ثروت علمی

در تکثر دیدگاه‌ها در جامعه‌ای که روایت‌های متنوع از گذشته پذیرفته شود، تاریخ نه میدان جنگ، بلکه باغی از گل‌های رنگارنگ خواهد بود. همان‌گونه که وجود زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در افغانستان یک سرمایه است، وجود روایت‌های متفاوت تاریخی نیز فرصتی برای درک بهتر ریشه‌های مشترک ماست.

### احترام متقابل،

سنگ بنای گفت‌وگوی علمی بی‌احترامی، دشنام، یا تحریب شخصیت به جای نقد علمی، نشانه فقر استدلال است.

تاریخ دانان و تاریخ خوانان باید بیاموزند که حتی در اوج اختلاف نظر، حرمت همدیگر را نگه دارند.

این احترام نه تنها اخلاقی است، بلکه خود راه را برای تبادل نظر عمیق‌تر باز می‌کند.

### تفکیک تاریخ

از ایدئولوژی

یکی از ریشه‌های اصلی بحران تاریخ‌نگاری در افغانستان، درآمیختگی آن با سیاست، قومیت و مذهب است. وقتی تاریخ به ابزار مشروعیت سیاسی یا قومی بدل شود، دیگر حقیقتی در میان نمی‌ماند. تاریخ باید مستقل از ایدئولوژی‌ها بررسی شود تا سندیت خود را حفظ کند.

### استفاده مشترک

از منابع معتبر

منبع تاریخی شریان اصلی روایت‌هاست. تکیه بر شایعات، روایات شفاهی بدون بررسی یا منابع مغرضانه، آفت بزرگ تاریخ‌نگاری افغانستان است. توافق میان محققان بر استفاده مشترک از اسناد معتبر و بازبینی پذیر، می‌تواند بسیاری از اختلافات را از میان ببرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

## آموزش روش‌شناسی

### علمی تاریخ

تاریخ دانان و تاریخ‌خوانان افغانستان اغلب با احساسات قومی یا مذهبی وارد عرصهٔ تفسیر تاریخ می‌شوند. حال آن‌که تاریخ یک علم است با قواعد و روش‌های خاص. اگر این روش‌شناسی در پوهنتون‌ها و نهادهای آموزشی به درستی تدریس و تمرین شود، نگاه‌ها از سطح احساسات به عمق تحلیل ارتقا خواهد یافت.

### تدوین قواعد

#### مناظره علمی

مناظره بدون قاعده، به نزاع و جدل بی‌حاصل می‌انجامد. باید قواعدی روشن برای بحث‌های تاریخی وضع گردد، استناد به منابع معتبر، پرهیز از حملهٔ شخصی، تمرکز بر موضوع و پذیرش امکان خطا. چنین قواعدی نه تنها فضای سالم گفت‌وگو را فراهم می‌کند بلکه تاریخ را به دانش قابل اعتماد بدل می‌سازد.

### قبول تکثر روایت‌ها

افغانستان سرزمین چندقوم، چندزبان و چندفرهنگ است. طبیعی است که هر گروه تاریخی متفاوت از گذشته دارد. مشکل زمانی آغاز می‌شود که هر روایت بخواهد خود را یگانه حقیقت بداند و دیگران را نفی کند. پذیرش همزیستی روایت‌های مختلف، نخستین گام برای آشتی تاریخی است. تاریخ به مثابه ریشهٔ مشترک، نه ابزار تفرقه اگر تاریخ درست فهمیده شود، می‌تواند عامل پیوند میان مردم باشد. شاهان، دانشمندان، شاعران و مبارزان این سرزمین تنها به یک قوم تعلق ندارند، بلکه میراث مشترک همهٔ افغان‌ها هستند. تاریخ باید وسیلهٔ شناخت ریشه‌های مشترک باشد، نه ابزار دشمنی قومی.

### نقش نهادهای علمی بی‌طرف

در شرایطی که فضای اجتماعی و سیاسی پر از تعصب است، تنها نهادهای علمی مستقل می‌توانند نقش داور را ایفا کنند. پوهنتون‌ها، مراکز تحقیقی و انجمن‌های علمی باید میدان اصلی مناظره و نقد تاریخی باشند، نه رسانه‌های آلوده به سیاست و تبلیغات.

### نقد به جای نفی

نقد علمی یعنی بررسی استدلال‌ها و منابع نه نفی کلی یا تخریب شخصیت. در جامعه‌ای که نقد جایگزین نفی گردد، تاریخ‌نگاری از سطح خصومت‌های شخصی به سطح تبادل اندیشه ارتقا می‌یابد.

### ضرورت شجاعت

#### در پذیرش خطا

هیچ محقق از خطا مصون نیست. پختگی علمی آن است که تاریخ‌دان بپذیرد روایت او ممکن است نیاز به بازنگری داشته باشد. این شجاعت نه نشانه ضعف، بلکه علامت صداقت علمی است.

### سکوت در برابر حقیقت

#### هم‌سنگ تحریف

اگر تاریخ دانان از ترس فشار اجتماعی یا سیاسی سکوت کنند، به اندازهٔ تحریف‌کنندگان در گمراهی جامعه شریک اند. حقیقت تاریخی گاه تلخ است، اما وظیفهٔ مورخ و تاریخ‌دان بیان آن است، هرچند به زیان قدرت یا روایت‌های غالب تمام شود.

### مسئولیت در برابر نسل‌های آینده

هر سطری که امروز نوشته می‌شود، فردا ذهن نسل‌های جوان را شکل خواهد داد. اگر تاریخ با دروغ، تعصب یا تحریف آلوده گردد، آیندهٔ کشور نیز بر بنیاد خطا بنا خواهد شد. تاریخ دانان باید آگاه باشند که مسئولیتی سنگین در برابر حافظهٔ ملی دارند.

#### از مناقشه به همکاری

به جای اینکه تاریخ‌دانان در برابر همدیگر صف‌آرایی کنند، می‌توانند در پروژه‌های مشترک علمی همکاری نمایند. یک پژوهش مشترک میان تاریخ دانان اقوام مختلف، هم سطح علمی را بالا می‌برد و هم پیام آشتی و تفاهم به جامعه می‌فرستد.

بهره‌گیری از تجربهٔ جهانی، کشورهای دیگر نیز اختلاف‌های شدید تاریخی داشته‌اند، مانند اروپای پس از جنگ‌های مذهبی یا امریکای پس از جنگ داخلی.

اما با پذیرش چندروایتی بودن تاریخ و ایجاد نهادهای علمی مستقل، توانستند تاریخ را از میدان نزاع به عرصهٔ دانش بدل کنند. افغانستان نیز می‌تواند بیاموزد که اختلاف در روایت، الزاماً تهدید نیست، بلکه می‌تواند فرصتی برای تکامل باشد.

نقش رسانه‌ها و روشنفکران، رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی نقش اساسی دارند. اگر آن‌ها به جای بازتولید نفرت و تعصب، به ترویج نقد علمی و روایت‌های متوازن بپردازند، جامعه افغانستان گامی بزرگ به سوی تفاهم تاریخی برخواهد داشت. روشنفکران نیز باید پلی باشند میان تحقیق‌های علمی و افکار عامه. آینده بدون تفاهم، تکرار گذشته است.

اگر امروز تاریخ‌دانان به تفاهم نرسند و هرکدام بر انحصار روایت خویش پافشاری کنند، نسل‌های آینده بار دیگر به همان چرخه نفرت، خشونت و چندپارچگی گرفتار خواهند شد. تفاهم علمی امروز، ضمانت همبستگی اجتماعی فرداست. دعوت نهایی، روشن‌کردن گذشته برای ساختن آینده.

افغانستان بیش از هر زمان نیازمند آن است که گذشته‌اش به روشنی دیده شود، نه برای بازتولید دشمنی، بلکه برای درس گرفتن و ساختن آینده. بیایید با انصاف، صداقت و منطق، گذشته را چنان بازنماییم که آینده را روشن‌تر سازد، نه تاریک‌تر. واپسین گپ‌ها

این منشور در حقیقت یک دعوتنامه ملی است، دعوت به خردورزی، انصاف، شجاعت و صداقت در برابر تاریخ. اگر تاریخ‌دانان و تاریخ‌خوانان افغانستان بپذیرند که حقیقت مطلق در اختیار هیچ‌کس نیست و هر روایت تنها بخشی از پازل بزرگ تاریخ را نمایان می‌سازد، آنگاه تاریخ می‌تواند به عامل همبستگی بدل شود. افغانستان سرزمین زخم‌خورده جنگ‌ها و مناقشات تاریخی است. اما همان‌قدر که تاریخ مملو از خون و شکست است، پر است از مقاومت، فرهنگ، شعر و اندیشه. وظیفه مورخان آن است که این تصویر چندلایه را با همه پیچیدگی‌هایش به نسل‌های آینده منتقل کنند، بی‌هیچ تعصب، بی‌هیچ جعل و بی‌هیچ تحریف. بدین‌گونه، تاریخ نه ابزار سیاست و نزاع، بلکه چراغ راه آینده خواهد بود.

### آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد